

# طرح کاخ سفید برای خفه کردن ایران

فیلیپ جیرالدی Philip Giraldi

در واقع، همه جار و جنجالها درباره آنچه ترامپ می تواند انجام دهد یا ندهد، و به همین گونه « قتل رهبر دولت اسلامی ابوبکر البغدادی» به کاخ سفید اجازه داد که با خیال راحت و بی آنکه جای شگفتی داشته باشد هدف اصلی سیاست خارجی اش را پی گیری کند که همانا تخریب ایران است.

## مرکز پژوهشهای جهانی سازی، 4 نوامبر 2019

فیلیپ جیرالدی (متولد 1946) کارشناس سابق ضد تروریست و افسر اطلاعات مرکزی ایالات متحده آمریکا (سی آی ای). او مجری و مفسر تلویزیون و مدیر اجرایی شورای منافع ملی است. نگارش مقالات تحریک کننده درباره هولوکست موجب شده که او را به ضد یهود متهم کنند.



طنز خاصی در آرزومندی رئیس جمهور دونالد ترامپ وجود دارد که او غالباً برای بیرون آمدن از جنگهای بی پایان که وجه مشخصه «جنگ جهانی علیه تروریسم» است مطرح می کند. البته می دانیم که «جنگ جهانی علیه تروریسم» را جرج والتربوش در سال 2001 به راه انداخت. مسئله این است که ترامپ این آرزومندیها را وقتی که خودش را برای انتخابات معرفی کرده بود و به همین گونه نه چندان دورتر از هفته پیش مطرح کرده است، البته بی آنکه کاری برای تغییر وضعیت انجام داده باشد. در واقع بیرون آمدن از سوریه که به موضوع طبل بزرگ رسانه ها تبدیل شد، متعاقباً روشن شد که چیزی نبوده است بجز یک جابجائی نیروهای نظامی حاضر در صحنه، سربازان مرز شمال کشور را به هدف موضع

گیری جدید ترک کردند و به کنترل مناطق نفتی جنوب شرقی کشور ادامه دادند. در واقع تعداد سربازان ایالات متحده آمریکا در سوریه شاید با انتقال یگانهای زرهی در پایگاه هایشان در عراق افزایش یافته باشد.

تغییر وضعیت به مثابه خصوصیت ویژه ترامپ در مورد سوریه شاید به دلیل فشار کنگره و رسانه ها بوده که با اظهار تأسف خروج نظامیان آمریکائی را اشتباه بزرگی دانستند. ولی اگر چنین امری واقعیت داشته باشد، تأیید ناآگاهی اسفناک آمریکائی ها در پوتوماک Potomac و پرستیتود presstitute که حاکی از ضعف دید دو حزب است. در واقع چسبیدن به چاه های نفت سوریه هیچ مفهومی ندارد، همان گونه که جنگ در شمال به هیچ کاری نیامد. تولید نفت برای مخارج اشغال کافی نیست، حتی اگر نفت دزدی و فروش آن با موفقیت همراه بوده باشد، هیچ اطمینانی وجود ندارد زیرا بقیه جهان بجز اسرائیل آن را متعلق به سوریه می دانند.

و برای کسب اطمینان، اهالی کنگره همه چیز را درباره برندگان و بازندگان می دانند. رسانه های بزرگ انباشته از حرفهای پوچ است به ویژه نظریاتی که بر اساس آن روسیه، ایران و سوریه جملگی به دلیل خروج نیروهای آمریکائی برنده اند، در حالی که ارتقاء دموکراسی نتولیرال در خاور میانه دچار شکست شده و اکنون اسرائیل در تهدید قرار گرفته است. و البته ایالات متحده آمریکا بی شرمانه به یکی دیگر از هم پیمانانش یعنی کردها خیانت کرد و اعتبار خود را در تمام جهان از دست داد.

هیچکس، البته، گفته های گروه طرفداران مداخله را بررسی نکرد. شیوه ای که روسیه از دولت مشتری حمایت می کند که چنین کاری برایش ممکن نیست، یا ایران با حفظ حضور دائمی فرامرزی از سوی اسرائیل بمباران می شود، به هیچ وجه روشن نیست. رئیس جمهور بشار اسد به سهم خود از عهده به روی پا گذاشتن کشورش بر نیامده و در وضعیت خوبی نیست. در این مدت، کردها گلیمشان را با توافق با سوریه و ترکیه از آب بیرون خواهند کشید و روسیه ضامن قراردادهای خواهد بود.

دلایل حفظ حضور نظامی ایالات متحده در سوریه جملگی مربوط به اسرائیل است که مدتهای مدید از تجزیه این کشور به اجزاء تشکیل دهنده اش پشتیبانی کرد و در عین حال در پی تضعیف سوریه به مثابه رقیب خود بود تا دولت یهودی بتواند باز هم بیشتر سرزمینهایش را بدزدد، احتمالاً برای ضمیمه کردن مناطق کم جمعیت و نفت خیز. اسرائیل در عین حال خواهان حضور قدرتمند نظامی ایالات متحده در سوریه است تا از ایران برای ایجاد پایگاه تهاجمی در آن سوی مرز جلوگیری کند، یعنی چشم اندازی که احتمال کمی برای آن وجود دارد، ولی در کنگره ایالات متحده انعکاس داشته است. در واقع، بازدارندگی ایران علتی است که غالباً از سوی واشنگتن و تل آویو برای توجیه مداخله ایالات متحده در سوریه مطرح می کنند، یعنی در جایی که انگیزه واقعی دیگری وجود ندارد بجز خواست ظاهراً جنون آمیز سرنگونی رئیس جمهور بشار اسد<sup>1</sup>.

در واقع، همه جار و جنجالها درباره آنچه ترامپ می تواند انجام دهد یا ندهد، و به همین گونه «قتل رهبر دولت اسلامی ابوبکر البغدادی» به کاخ سفید اجازه داد که با خیال راحت و بی آنکه جای شگفتی داشته باشد هدف اصلی سیاست خارجی

<sup>1</sup> مترجم: انگیزه من برای ترجمه این متن بیشتر به این علت است که نظریات یک مأمور اطلاعاتی سی آی ای را منعکس کنم که «چیچ» پر جنبه ای بنظر می رسد. مأموران سی آی ای همیشه قابل دسترسی نیستند حتی قدیمی هایشان. به هر روی اگر نظریه او را در مورد نگرانی آمریکا برای اسرائیل قبول داشته باشیم، نمی توانیم بپذیریم که یگانه علت حضور آمریکا در سوریه برای جلوگیری از «قدر قدرتی» ایران بوده که کمی اغراق آمیز بنظر می رسد، ولی در اینجا انگیزه برای محاصره روسیه و متوقف کردن راه ابریشم نوین و در عین حال کنترل منابع نفت و گاز سوریه ندیده گرفته شده است. علاوه بر این انگیزه آمریکا برای دامن زدن به استراتژی هرج و مرج سازنده و بطور کلی جلوگیری از توسعه کشورهای جنوبی نیز ندیده گرفته شده است. علاوه بر همه اینها نتولیرالیسم و حاکمیت ملی دو چیز کاملاً متضاد هستند.

اش را پی گیری کند که همانا تخریب ایران است. 28 اکتبر، وزیر خزانه داری استیون منوچین در اسرائیل بود، البته، در آنجا طی یک مصاحبه مطبوعاتی با نخست وزیر اسرائیل بنیامین نتانیاهو اعلام کرد که ایالات متحده فشار اقتصادی روی ایران را [به بهانه] برنامه هسته ای افزایش خواهد داد، و گفت :

«ما اردوی فشار حداکثر برای مجازات ها را به اجرا گذاشتیم، این مجازات ها امور مالی را قطع می کند. ما تشدید هر چه بیشتر مجازاتها را ادامه خواهیم داد...» به سوی نتانیاهو نگاه می کند و می گوید : « من از صرف نهار خیلی سازنده با تیم خودمان باز می گردم. نظریات متعدد و خیلی مشخص برای ما مطرح کردند که ما به آن ادامه خواهیم داد.» نتانیاهو چنین پاسخ گفت : « در نتیجه من می خواهم از شما برای کاری که انجام داده اید سپاسگذاری کنم، و استیو من شما را تشویق می کنم که بیشتر و باز هم بیشتر به این کارها ادامه دهید.»



منوچین سگ پر سر و صدا (Mnuchin the Poodle) که بنظر می رسد که نمی داند که ایران برنامه سلاح هسته ای ندارد، به آخرین سری مجازاتهای اشاره می کند که سه روز پیش از سوی واشنگتن اعلام شد و هدفش به روشنی جلوگیری از ایران در استفاده از نظام بین المللی بانکی برای داد و ستدهایش بود. برای دستیابی به چنین هدفی، دولت ترامپ در پی حذف ایران از نظام مالی جهانی اعلام کرد که این کشور «یکی از مناطق پول شوئی دست اول است»

گزینش جدید که به گزینشهای مشابه در دفتر کنترل سرمایه های خارجی (OFAC) برای بانک مرکزی ایران اضافه شده می خواهد که بانکهای ایالات متحده «کوشش خردمندانه ویژه» درباره حسابهای نگهداری شده در بانکهای خارجی به کار ببندد در صورتی که این بانکهای خارجی خودشان برای مؤسسات مالی ایرانی حساب باز کرده باشند. زنجیره مجازاتهای ثانوی به این معناست که در عمل، بانکهای ایالات متحده روی همکاران خارجی خودشان فشار می آورند که حسابهای را که به نام بانکهای ایرانی باز کرده اند مسدود کنند در غیر این صورت خطر مجازات تهدیدشان خواهد کرد. ایران بیش از پیش از نظام مالی جهانی منزوی خواهد شد، زیرا چند بانک ایرانی باقی مانده برای داشتن حساب بانکی در خارج به مشکل برخورد خواهند کرد.

هدف گرفتن ایران از سوی خزانه داری به مثابه منطقه اصلی در زمینه پولشوئی برای اندک بانکهای ایرانی که در سطح بین المللی حسابهای محدود بانکی دارند، و داد و ستد تا اینجا برایشان ممکن بوده، از این پس ناممکن خواهد شد. انسداد حسابهای که مستقیماً به نام ایرانیان باز شده یا از طریق میانجی گری بانکهای دیگر، به این معنا خواهد بود که وارد کنندگان ایرانی در وضعیتی نخواهند بود که بتوانند داروها و مواد غذایی را که به کشور وارد می کردند بپردازند، یعنی محصولاتی که بشردوستانه تلقی می شود و معمولاً از مجازاتها معاف است.

مقررات جدید دفتر کنترل سرمایه های خارجی (OFAC) چارچوبی را برای بانکها در نظر گرفته که به تنها اجازه می دهد حساب ایرانیان را حفظ کنند ولی با گزارش ماهانه کلی، یعنی کاغذبازی و روندهای دیگر که عمده گران تمام می شود و احتمالاً بانکهای بین المللی برایشان به صرفه نیست و به ندرت خودشان را با چنین مقرراتی تطبیق خواهند داد.

پیشنهاد طرح هماهنگ به هدف تشدید دائمی مجازات مردم ایران چهارشنبه گذشته هنگامی که دولت ترامپ به 6 کشور خلیج فارس پیوست مطرح گردید تا دو دوجین شرکت، بانک و افراد دیگری که در پشتیبانی ایران از حزب الله شرکت داشته اند و دیگر گروه هائی که از سوی وزارت امور خارجه آمریکا تروریست تلقی شده را به مجازات محکوم کنند. در بیانیه، وزارت خزانه داری اعلام کرد که این مجازاتها عبارتند از « مهمترین گزینشهای ضمیمه شده تا امروز» از سوی Terrorist Financing Targeting Center (TFTC) که بحرین، کویت، عمان، قطر، عربستان سعودی، امارات متحده عربی و ایالات متحده آمریکا را در بر می گیرد. به گفته او، چندین شرکت تحریم شده تأمین مالی شبکه پاسداران انقلاب اسلامی ایرانی را به عهده داشته اند که ایالات متحده آمریکا امسال آنها را سازمان تروریستی اعلام کرد.

وزیر خزانه داری منوچین هنگام دور بازدیدهایش از خاور میانه به این موضوع اشاره داشت که « این حرکت موضع گیری متحد کشورهای خلیج (فارس) را نشان می دهد و ایالات متحده بر این باور است که ایران اجازه نخواهد داشت که فعالیتهای مخرب خود را در منطقه تشدید کند.»

اشتباه نکنید، ایالات متحده در حال هدایت جنگ اقتصادی علیه ایران است و به شکل انکار ناپذیری می خواهد مردم ایران را به چنان بدبختی و مصیبتی دچار کند که دست به شورش بزنند. و مجازاتهای تحمیل شده به ویژه روی مردم فقیر و تنگدسترین ها تأثیر می گذارد، و هم زمان بجای تضعیف رژیم پشتیبانی از آن را تشویق می کند.

حرکت کاخ سفید علیه ایران نه فقط غیر اخلاقی ست بلکه غیر قانونی نیز هست زیرا ایران و ایالات متحده در جنگ نیستند و ایران به هیچ وجه ایالات متحده را تهدید نکرده است. کل این موضوع فقط یک نمونه بیشتر از شیوه هائی ست که گروه های ملی قدرتمند، در اینجا اسرائیل، سیاست خارجی ایالات متحده را تحریف کرده و در مسیرهای سوق داده که شرمسار کننده بوده و در خدمت هیچ یک از منافع ملی واقعی نیست.

لینک متن اصلی :

<https://www.mondialisation.ca/le-plan-de-la-maison-blanche-pour-etouffer-liran/5638529>

ترجمه حمید محوی

پاریس، 7 نوامبر 2019